



دوره، هفتم
شماره چهار

کنگره

۱۰ اکتبر ۲۰۱۵ - ۱۸ مهر ۱۳۹۴

سردبیر: جمال کمانگر

قطعنامه در باره اوضاع سیاسی ایران!

سند پیشنهادی به کنگره هفتم حزب حکمتیست

صفحه ۲

موقعیت جنبش کارگری و سیاست حزب حکمتیست!

سند پیشنهادی به کنگره هفتم حزب حکمتیست

صفحه ۵

جنبش آزادی زن در ایران، دورنمای پیروزی!

سند پیشنهادی به کنگره هفتم حزب حکمتیست

صفحه ۷

به نمایندگان کنگره هفت حزب کمونیست کارگری - حکمتیست!

محسن حسینی

صفحه ۸

نامه شماره ۳ رئیس دفتر سیاسی

به نمایندگان کنگره هفتم حزب حکمتیست!

رفقا! با درود!

۱- در شماره ۴ و ۵ نشریه کنگره اسناد، بیانیه ها و قطعنامه ها و قرارهای پیشنهادی به کنگره منتشر میشود. در ارائه هر سند دو موافق و دو مخالف اظهار نظر خواهند کرد. طبق آیین نامه تاکنونی کنگره ها "در مباحث اصلی دو ارائه دهنده و دو مخالف از قبل از کنگره تعیین شده اند. مابقی سخنرانان در سالن نوبت میگیرند. در نتیجه رفقای که به عنوان موافق و یا مخالف اسناد تهیه شده میخوانند در کنگره صحبت کنند، لطفا تقاضای خود را کتبا به رئیس دفتر سیاسی و دفتر مرکزی اطلاع دهند.

۲- نکته دیگر اینکه نمایندگان و یا کادریایی از حزب که به هر دلیلی در کنگره غایب خواهند بود، چنانکه در نظر دارند، برای عضویت در کمیته مرکزی خود را کاندید کنند، لطفا قبل از شروع کنگره به رئیس دفتر سیاسی و دفتر مرکزی اطلاع دهند.

به امید دیدار در کنگره

موفق باشید

رحمان حسین زاده

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در ماه اکتبر ۲۰۱۵ به طور علنی برگزار میشود!

پیش نویس آئین نامه کنگره هفتم حزب حکمتیست!

۱- هیات رئیسه کنگره از طرف دبیر کمیته مرکزی و رئیس دفتر سیاسی، بر اساس توانائی در اداره جلسات، به کنگره معرفی خواهند شد. در هر اجلاس یک نفر از هیات رئیسه، ریاست کنگره را برعهده خواهد داشت.

صفحه ۱۰

در صفحات دیگر:

نقدی کوتاه بر قطعنامه پیشنهادی اوضاع سیاسی به کنگره هفتم حزب حکمتیست!

قرار پیشنهاد تغییر نام حزب حکمتیست

مرگ بر جمهوری اسلامی!

قطعنامه در باره اوضاع سیاسی ایران! (سند پیشنهادی به کنگره هفتم حزب حکمتیست)

۱- مولفه های اساسی تناقضات و بحران جمهوری اسلامی نه فقط با "توافق هسته ای" تغییری نکرده اند، بلکه در چهارچوبی جدید و در متن معادلات پیچیده جهان کنونی و اوضاع از هم گسیخته و بی ثبات خاورمیانه، عمیق تر میشوند. سازگاری جمهوری اسلامی با آمریکا و دول غربی به هر سمتی برود، ناسازگاری جامعه با حکومت اسلامی تشدید میشود. معضلات جمهوری اسلامی بیش از پیش سر باز میکنند و مسئله سرنوشتی حکومت اسلامی کماکان صورت مسئله اصلی جامعه و وظیفه فوری طبقه کارگر و کمونیسم است. جمهوری اسلامی و جنبشها و نیروهای بازیگر صحنه سیاست ایران در دوره جدید با مصافها و تعیین تکلیفهای جدی روبرو خواهند شد.

۲- جمهوری اسلامی اساسا تحت فشار بحران اقتصادی مزمن و تاثیر جانی تحریمهای اقتصادی، ترس از گسترش نارضایتی عمیق کارگران و مردم محروم جامعه علیه وضع موجود، نگران از ادامه انزوای بین المللی، به ناچار و از سر ضعف به "توافق هسته ای" تن داد. برخلاف اظهارات خامنه ای، عقب نشینی جمهوری اسلامی نمیتواند در چهارچوب "پروژه هسته ای" محدود بماند، بلکه سرآغاز عقب نشینی های مهم در عرصه مداخلات در منطقه و تعدیلات ناگزیر ایدئولوژیک و سیاسی به منظور منطبق کردن بیشتر خود با نقشه های آمریکا و غرب در مناسبات جهانی و منطقه ای است. این روند جمهوری اسلامی را با تنشها و تکانهای جدی در درون و بیرون "نظام" روبرو خواهد کرد و پیامدهای مهمی به دنبال خواهد داشت.

۳- برخلاف تبلیغات و رویاهای ارتجاعی رژیم اسلامی، سیر تحولات در خاورمیانه به ضرر جمهوری اسلامی پیش میرود. بعد از "توافق هسته ای" یک سیاست محوری آمریکا و غرب محدود کردن دخالتگریهای جمهوری اسلامی در منطقه است. در پس ادعاهای خامنه ای مبنی بر "ادامه حمایت از متحدان نظام" در منطقه، چانه زنی برای بده بستانی جدید جهت منطبق شدن با چهارچوبهای مورد نظر آمریکا و غرب در منطقه و قبول عقب

نشینی در این قلمرو نیز نهفته است. برای بورژوازی ایران و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی ادعای "قدرت برتر منطقه ای" دیگر سرابی بیش نیست.

۴- قبول "توافق هسته ای" و در پیش گرفتن سیاست "تعامل سازنده" با جهان غرب توسط جمهوری اسلامی، هنوز چشم اندازی را برای حل بحران اقتصادی دیرینه کاپیتالیسم ایران و رشد و توسعه اقتصادی مورد نظر بورژوازی تصویر نمیکند. علت اینست، خاورمیانه بی ثبات و ساختارهای سیاسی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی جزو موانع اساسی سرمایه گذاری بنیادی توسط سرمایه غربی در ایران است. رفع تحریمها و برقراری رابطه مجدد با قدرتهای غربی و اساسا کشورهای اروپایی اگرچه به نیازهای کوتاه مدت و به امروز به فردا کردن اقتصاد بورژوایی ایران کمک میکند، اما چاره ساز معضلات بنیادی گریبانگیر اقتصاد سرمایه داری ایران نیست. وجود هیئت حاکمه متعارف بورژوایی تثبیت شده و تضمین کننده رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران از درون جمهوری اسلامی در نمی آید و فعلا جزو رویاهای غیر عملی بورژوازی ایران است.

۵- رفع تحریمها و برقراری رابطه با کشورهای غربی بنا به ادعای دولت روحانی اگر رونقی هم در "بازار کسب و کار" سرمایه داران ایران ایجاد کند، اما در چهارچوب کاپیتالیسم بحران زده و به تنگنا افتاده ایران، متضمن هیچ گشایشی در شرایط معیشت و زندگی طبقه کارگر و اردوی کار ایران نیست. به این دلایل که اولاً معضلات و مصائب شدید گریبانگیر طبقه کارگر و اردوی کار ایران قبل از تحریمها ریشه در بحران عمیق تر سرمایه داری ایران و مصائب ناشی از آن دارد و با رفع تحریمها علاج نمیشود. ثانیاً سرمایه داری متکی به کار ارزان در ایران مداوماً برای ارزان نگه داشتن نیروی کار، تعرض معیشتی خود و سرکوب و فشار سیاسی را ادامه میدهد و

ثالثاً هر درجه از رابطه با سرمایه غربی به همراه خود دیکته کردن ملزومات سود آوری سرمایه را به همراه دارد. چنین شرایطی ایجاب میکند که طبقه کارگر کوچکترین توهمی نداشته باشد که ادامه تعرض معیشتی و زندگی زیر خط فقر، تداوم بیکاری و فقر و سرکوب سیاسی، لازمه استبداد خشن بورژوازی حاکم ادامه پیدا میکند. این پدیده و لاجرم مقابله طبقاتی و مبارزاتی در مقابل آن کماکان جزو داده های واقعی حیات اجتماعی و مبارزاتی طبقه کارگر و دیگر اقشار تحت فشار در جامعه ایران است. این حکم که گشایش اقتصادی و سیاسی جامعه و طبقه کارگر در گرو تعیین تکلیف اساسی با جمهوری اسلامی است بیش از پیش خود را برجسته میکند. این بار بدون توجیهات "تحریم و تهدید نظامی" آمریکا و غرب، جمهوری اسلامی بدون حفاظت و در موقعیتی شکننده تر در مقابل طبقه کارگر و مردم قرار میگیرد. جدال سیاسی و ناسازگاری معیشتی طبقه کارگر و مردم حق طلب با جمهوری اسلامی سر جای خود باقی است و این جدال سرنوشت سازی است که جمهوری اسلامی به آسانی از پس آن برنماید.

۶- کشمکش جناحهای جمهوری اسلامی در قلمروهای جدید و کماکان حول راه حل های متفاوت برای بقا و نجات "نظامشان" تشدید میشود. چگونگی رابطه با کشورهای غربی و چگونگی اجرای مفاد "توافق هسته ای" و حدود و ثغور دخالتهایشان در منطقه و چگونگی کنترل جامعه و مقابله با طبقه کارگر و مردم معترض چارچوبهای جدید جدال جناحها است که هم اکنون در عکس العملها و موضعگیریهای متفاوت خامنه ای و نزدیکان او از یک سو و سیاستها و موضعگیریهای دولت روحانی و امثال رفسنجانی از سوی دیگری وضوح خود را نشان میدهد. تشدید این شکافها، شکنندگی و ضربه پذیری جمهوری اسلامی را افزایش میدهد. مسئله اینست، راه حل شناخته شده هر دو جناح اصلی برای "بقای نظامشان" با بن

آزادی کامل و بی قید و شرط شکل کارگران!

بست روبرو است و این یک معضل اصلی و پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است.

۷- تحولات ایندوره نیروهای اپوزیسیون و جنبشهای اجتماعی را نیز تحت تاثیر قرار داده است:

الف: جنبش ملی اسلامی با قرار گرفتن پشت سر دولت "اعتدال" روحانی به سرعت این واقعیت را نشان داد که بخشی از پیکره جمهوری اسلامی هستند. علیرغم اپوزیسیون نمایی در دوره گذشته این جریان اکنون نیروی فعال پیشبرد سیاستهای دولت روحانی و جمهوری اسلامی است. این جریان یکبار دیگر ماهیت ضد کارگری و ضد مردمی خود را نشان داد و در همین ظرفیت باید افشا، طرد و رسوا شود.

ب: جنبش بورژوازی و ناسیونالیسم پرو غرب و شاخه های مختلف آن ناخشنود از "توافق هسته ای" و شروع سازش بین جمهوری اسلامی و آمریکا و غرب، با کور شدن افق "رژیم پنج" قدرتهای غربی در مقابل جمهوری اسلامی در دوره انتظار و بی تحرکی سیاسی بسر میبرند. بخشهایی از این جنبش از جمله ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیستهای محلی (فدرالیستها) تلاش میکنند حول "پروژه های ملی - قومی" سناریو سیاهی و ضد مردمی استراتژی جدیدی برای خود تعبیه کنند و سهم خواهی خود را ادامه دهند. افشا و ایزوله کردن استراتژی و سیاست این جنبش و شاخه های آن بخش لاینفک پیشبرد مبارزه آزادیخواهانه و برای رهایی قطعی جامعه است.

ج- در صف متمایز و نقطه مقابل جنبشهای بورژوازی و ارتجاعی، جنبش طبقه کارگر، جنبش کمونیسم کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال همچون جنبش آزادی زن و معلمان و جنبش نسل جوان و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و ... در جدال با کلیت جمهوری اسلامی حضور دارند. معضل اصلی که این جنبشها با آن دست بگریانند، تناسب قوای به شدت نامساعد و نابرابر تحمیل شده ایست که مانع اصلی ابراز وجود کل پتانسیل مبارزاتی و به میدان آمدن قدرت اجتماعی این صف در

مقابله با بورژوازی و جمهوری اسلامی است. این جنبشها به روشنی و مداوما اعلام کرده اند که نه خصومت و دشمنی تاکتونی جمهوری اسلامی و آمریکا و غرب و نه نزدیکی و سازش کنونی آنها کوچکترین ربطی به منافع کارگران و مردم و صف آزادیخواهی و حق طلبی در آن جامعه نداشته و تحریمهای اقتصادی کشورهای غربی و تهدیدات جنگی را همواره مواعی در مسیر پیشروی مبارزاتی خود دیدند. جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال در دوره جدید با دیدن ضعف و عقب نشینی جمهوری اسلامی در معادلات جهانی و منطقه ای، و بی اثر شدن توجیهات قبلی "تحریم و تهدید" در مقابله با مردم، با فضای مساعدتری برای پیشبرد جدالهای تعیین کننده اقتصادی و سیاسی روبرو هستند. جنبش کارگری و جنبشهای رادیکال با خودآگاهی و ابتکار عمل و سازمانیافتگی بیشتر برای بهبود اوضاع معیشتی و سیاسی، برای تغییر تناسب قوای نامساعد کنونی به نفع جبهه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی و برای تعیین تکلیف اساسی با بورژوازی و جمهوری اسلامی میتوانند قدم علم کنند. تحقق چنین امر مهمی در گرو هژمونیک شدن پرچم انقلابی و کمونیستی در این جنبشها و تامین رهبری کمونیستی رادیکال و اجتماعی کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست برای ساقط کردن حاکمیت بورژوازی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی است.

در این راستا کنگره هفتم حزب حکمتیست اعلام میکند:

۱- دوره آینده، دوره تحولات و تلاطمات مهم در جامعه ایران است. دوره ایفای نقش جنبش طبقه کارگر و کمونیسم کارگری به عنوان نیروی مبشر آزادیخواهی و برابری طلبی و رهایی قطعی جامعه در دل تحولات پیش رو است. حزب حکمتیست با پافشاری بر این واقعیت و ارتقاء آمادگی سیاسی، سازمانی و پراتیکی خود در مصافهای تعیین کننده دوره آتی، برای به پیروزی رساندن طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در جدالهای سرنوشت ساز

تلاش میکند.

۲- جمهوری اسلامی پابهای توافق و سازش با آمریکا و غرب، سرکوب جامعه و تعرض به سطح معیشت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را گسترش و سرکوب سیاسی را شدت میبخشد. تنها مبارزه قاطع، گسترده، خودآگاه و متحدانه و سازمانیافته طبقه کارگر و جنبشها و صف آزادیخواه جامعه راه موثر عقب راندن جمهوری اسلامی است. طبقه کارگر و مردم حق طلب، در شرایط بالنسبه مناسبتر میتوانند مطالبات اقتصادی و سیاسی خود را تعقیب کنند. تلاش برای گسترش مبارزه روزمره اقتصادی و سیاسی، علیه فقر و گرانی، علیه زندگی زیر خط فقر، علیه سرکوب و اعدام و استبداد سیاسی از وظایف تخطی ناپذیر ایندوره است. در این راستا کارگران، زنان و جوانان و همه آزادیخواهان و برابری طلبان را برای بهبود اوضاع اقتصادی و سیاسی و تغییر تناسب قوا به گسترش مبارزه ای همه جانبه در سراسر ایران برای افزایش فوری دستمزدها و تامین فوری معیشت و رفاه مردم کارگر و زحمتکش، آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی، برای الغای مجازات اعدام، برای جمع کردن بساط سرکوبگران ضد زن در خیابانها، و برای عقب راندن جمهوری اسلامی فرا میخوانیم.

۳- از نظر ما سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی صورت مسئله اساسی جامعه است. حزب حکمتیست برای سرنگونی فوری جمهوری اسلامی همه پتانسیل، اهرمها و ابتکارات سیاسی، اجتماعی و پراتیکی خود را بکار میگیرد. هرگونه تلاش قدرتهای جهانی و کشورهای غربی و طرفداران آنها در اپوزیسیون برای بزک کردن چهره جمهوری اسلامی و تحمیل این رژیم هار ضد انسانی به مردم را وسیعا افشاء و رسوا خواهد کرد.

حزب حکمتیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و رهایی قطعی جامعه از ستم و استثمار نظام جهمی سرمایه، در صف

مقدم نیروی اجتماعی طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی، به مبارزه آگاهانه و متشکل طبقه کارگر و ابتکار و خلاقیت کارگران کمونیست و رهبران کارگری، به قدرت اجتماعی جنبش آزادی زن، به اعتراض نسل جوان آزادیخواه و برابری طلب در جامعه متکی است. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط هر گشایش واقعی و جدی اقتصادی و سیاسی در شرایط موجود و گام ضروری در راه تحقق انقلاب سوسیالیستی در ایران است.

پیشنهاد دهنده: رحمان حسین زاده

حمایت کنندگان: علی مطهری، فاتح شیخ، پروین کابلی، سیاوش دانشور، ملکه عزتی، اسماعیل ویسی، عبدالله دارابی، ناصر مرادی

نقدی کوتاه بر قطعنامه پیشنهادی اوضاع سیاسی به کنگره هفتم حزب حکمتیست!

من در این یادداشت کوتاه قصد ندارم در جهت اصلاح آن چیزی بنویسم بیشتر نکات من نقد دیگه حاکم بر آن است. تردیدی نیست نکات خوبی در قطعنامه وجود دارد.

۱- تز و دیدگاه حاکم بر این قطعنامه "سیاست انتظار" است! قرار است تقی به توقی بخورد و بعدن ما وارد معرکه شویم و به نیرویی دخیل تبدیل شویم. تحولات چند سال اخیر عکس این را نشان داد. بدون سازمان و هژمونی کمونیستی و کارگری در جنبشهای در گیر راه به جایی نمی بریم.

۲- این قطعنامه هنوز در دوره قدر قدرتی آمریکا و غرب سیر میکند. هنوز با توجه به بحثهای سالهای اخیر حزب مبنی بر جهان چند قطبی و شکست سیاستهای آمریکا و ناتو در سومالی، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و اکراین و نیجریه، نویسنده قطعنامه کماکن بر یک تازی آمریکا در تعیین تحولات خاورمیانه اصرار دارد در حالی که خود آمریکاییها چنین برداشتی از خود ندارند. بعد از شکست "نظم نوین جهانی" بوش در افغانستان و عراق سیاست آمریکا بر "شراکت" با قدرتهای نو ظهور تاکید دارد. هر اجندای آمریکا و متحدینش بدون همراهی روسیه و چین محکوم به شکست است.

۳- قطعنامه توافقات بین رژیم و ۱+۵ را که ۱۲ سال است به "بهانه هسته ای" مردم ایران و کل جهان را سر کار گذاشته اند و بر عمر ننگین جمهوری اسلامی اضافه شده است را نشانه "ضعف و عقب نشینی و سازش" در برابر غرب میدانند. این روی دیگر تعبیر بخشی از اپوزیسیون است که آنرا "جام زهر" و یا معاهده "ترکمن چای" و "حراج غرور ایرانیان" میدانند. از نظر من، این توافقات ادامه همان سیاست "ایران اتمی" جمهوری

آیا ما با یک انقلاب مواجه هستیم؟ جنس این تحولات را باید تعیین کرد. خواست سرنگونی کماکان در میان بخشی از جامعه ایران وجود دارد اما جنبشی سرنگونه طلبانه در میدان نیست که قابل قیاس باشد.

۷- در بند ۳ قطعنامه اعلام شده است که "سرنگونی جمهوری اسلامی صورت مسئله اساسی جامعه است." به نظر من این حکمی گمراه کننده است. اگر خواستی در جامعه تا این حد پلاریزه شده باشد و به صورت مسئله کل جامعه تبدیل شود مردم راه سرنگونی رژیم را پیدا میکنند. سرنگونی طلبی با هزیمت بخش اصلی اپوزیسیون راست به دامن جمهوری اسلامی به یک کالای لوکس تبدیل شده است! بخش انقلابی جامعه ایران، کمونیستها و آزادیخواهان سرنگونی طلب هستند. فرمول درست این است که بگویم سرنگونی جمهوری اسلامی صورت مسئله ما کمونیستها و طبقه کارگر است. خرده بورژوازی و طبقه متوسط در ایران تازمانی که جمهوری اسلامی به شیوه زندگیش کاری نداشته باشد پشت جناحی از جمهوری اسلامی میروند.

نکته آخر قطعنامه اوضاع سیاسی نمیتواند از روی آرزوهای ما بنیاد گذاشته شود. باید واقعیتهای جامعه ایران را دید. باید عروج داعش در مرزهای ایران و افغانستان را دید باید پراکندگی و سرکوب سیستماتیک رهبران کارگری را دید. باید حزب را به عنوان نیروی فعاله هر تغییر و تحولی در مرکز ثقل تحولات گذاشت. باید چشم در چشم واقعیت دوخت و آنرا به طبقه کارگر گفت. باید سازمان مورد نیاز برای هر تحولی در آینده ساخت. گره اصلی اینجاست. خطر هرج و مرج و سناریو سیاه در ایران محتمل ترین وضعیت در پس هر تحولی در ایران است. نقشه ما برای مقابله با آن چیست؟

با احترام

جمال کمانگر

اسلامی است. بده و بستان های دیپلماتیک اخیر نه تنها به عمر جمهوری اسلامی افزوده است بلکه بخش وسیعی از ناسیونالیستهای پرو غرب و کل ملی-اسلامی ها را در رژیم هضم کرده است. جا پای جمهوری اسلامی در خاورمیانه از هر دوره ای برجسته تر شده است و به شریکی برای امریکانو ناتو در مبارزه با داعش تبدیل شده است. پیش بینی اینکه این توافق "سرآغاز عقب نشینی های دیگر است" واقعی نیست. روسیه متحد جمهوری اسلامی تمام قد و با قدرت در سوریه دخالت نظامی کرده است. و این امکانات جمهوری اسلامی بعد از "توافق هسته ای" را زیاد میکند.

۴- جنبش بورژوازی پرو غرب خود را در هیئت روحانی و رفسنجانی مینهد و بر عکس حکم قطعنامه اتفاقا خیلی هم از توافق هسته ای راضی هستند. اتفاقات مناسک حج امسال که منجر به کشته شدن صدها نفر از شهروندان ایرانی شد، ظرفیت فاشسیم ایرانی و پان ایرانیسم را به وضوح نشان داد. ساده انگاری است که منفعت این بخش از بورژوازی ایران در اپوزیسیون را با منفعت بورژوازی در قدرت جدا کرد.

۵- تاکید چند باره قطعنامه بر "ضعف و عقب نشینی جمهوری اسلامی" در برابر غرب، مترادف با شروع اعتراضات کارگری و توده ای دانسته شده است که غیره واقعی است. هیچ شورش کوری بدون سازمان و رهبری راه به جایی نمیرد.

۶- قطعنامه در در بند یک با این شروع میکند "دوره آینده، دوره تحولات و تلاطمات تعیین کننده در جامعه ایران است." سؤال این است آیا ما با یک دوره انقلابی مواجه خواهیم شد؟ مختصات این دوره کدامند؟ پیش گویی "دوره تحولات و تلاطمات تعیین کننده در جامعه ایران" اسم رمز سیاست انتظار است که بالاتر به آن اشاره شد. اگر قرار است "تلاطمات تعیین کننده" در راه باشد باید اسمش انقلاب باشد!

موقعیت جنبش کارگری و سیاست حزب حکمتیست! (سند پیشنهادی به کنگره هفتم حزب حکمتیست)

۱- استبداد خشن و اختناق عربانی که بورژوازی و حکومت اسلامی علیه طبقه کارگر و جامعه سازمان داده است، انعکاس وحشت این طبقه از قدرت اجتماعی طبقه کارگر است. استبداد سیاسی در ایران نیاز سرمایه است و در هم شکستن استبداد سیاسی مستلزم در هم کوبیدن قدرت سیاسی و اقتصادی بورژوازی توسط جنبش طبقه کارگر است که منفعتی در تداوم وضع موجود ندارد. لذا موقعیت کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی در جامعه سرمایه داری بطور اعم و در کشورهایمانند ایران بطور اخص، رابطه مستقیمی با نیاز تاریخی سرمایه به استبداد و دیکتاتوری دارد و دست بدست شدن قدرت سیاسی میان جناح های بورژوازی تغییری ماهوی در موقعیت اجتماعی طبقه کارگر ایجاد نمیکند.

۲- تناقضات بنیادی سرمایه داری بحران زده ایران، در متن تغییرات جهانی در مناسبات کار و سرمایه در چند دهه اخیر، ابعاد بیحقوقی طبقه کارگر را گسترده تر کرده است. جایگاه حقوقی و قانونی طبقه کارگر بمراتب بعقب رانده شده و از نظر اقتصادی به دستمزدهای نازل و زندگی چند بار زیر خط فقر رسمی محکوم شده است. تحولات در سازمان کار، میداندار شدن شبکه اختاپوسی شرکت های پیمانی، قوانین مترتب به شرایط کار و قراردادهای کار، تکه پاره کردن بخشهای مختلف طبقه کارگر از یک صنعت واحد تا کل جوارح تولید مادی و غیر مادی، در کنار سرکوب و اختناق و تشدید فقر و بیحقوقی، تحرک جنبش کارگری را بیش از پیش با موانع مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و امنیتی مواجه کرده است. گسترش وسیع ارتش بیکاری و تعطیلی مرتب مراکز کار، سونامی بیکاری پنج میلیون فارغ التحصیل که کاری برایشان وجود ندارد، سقوط مستمر دستمزدهای واقعی در کنار افزایش نرخ تورم و گرانی کالاهای اساسی، فقدان امنیت شغلی و تبدیل کار قراردادی و کوتاه مدت و عمدتاً سفید امضا به نرْم خرید و فروش نیروی کار، سقوط استانداردهای ایمنی محیط کار و تبدیل

محیطهای کار به قتلگاه کارگران، افزایش ساعات کار و اضافه کاری اجباری، نپرداختن دستمزد کار انجام شده و چماق اخراج در مقابل هر اعتراض برحق کارگران، سیاست آگاهانه کارفرمایان و ایندولوگهای حکومت اسلامی در دامن زدن به رقابت میان کارگران، وضعیت معیشتی و موقعیت اجتماعی و مبارزاتی طبقه کارگر را پیچیده تر کرده است. پیامدهای این وضعیت از جمله فروپاشی خانواده های کارگری، افزایش کار کودکان و پدیده کودکان کارتن خواب و خیابانی، گسترش اعتیاد و تن فروشی، افزایش خودکشی و افسردگی در متن فقر و فلاکت اقتصادی ای است که بورژوازی ایران به طبقه کارگر و مردم زحمتکش تحمیل کرده است.

۳- اما گستراندن چتر اختناق و تحمیل موقعیت بردگی مطلق به طبقه کارگر، اگرچه شرایط مبارزه کارگری را با موانع زیاد و پیچیده روبرو میکند اما مطلقاً نتوانسته است رؤیای بورژوازی مرتجع اسلامی برای احیای "بهشت سرمایه داری" مبتنی بر کار ارزان و کارگر خاموش را متحقق کند. حکومت اسلامی نه فقط نتوانسته است مقاومت و اعتراض و اعتصاب کارگری را خاموش کند بلکه با گسترش خودآگاهی و انتقاد اجتماعی کارگر به وضع موجود و با گسترش مبارزات اردوی کار علیه فقر و تبعیض روبرو شده است. یک مشخصه جدید جنبش کارگری، عروج اعتصابات و اعتراضات توده ای و بزرگ و در مدت زمان نسبتاً طولانی است. اعتصابات کارگران صنایع پتروشیمی، اعتصاب گسترده و شکوهمند کارگران معدن چادرمو، اعتصاب و اجتماعات توده ای کارگران معدن بافق، اعتراض وسیع کارگران ایران خودرو از آن جمله اند. به علاوه، اعتصابات سراسری پرستاران، اعتراضات سراسری و پیشرو معلمان از نمونه های برجسته این دوره جدید کشمکش و روریائی اردوی کار در ایران با کارفرمایان و حکومت فاسد و ضد کارگری

جمهوری اسلامی است. در این اعتراضات کارگران عمدتاً به مجمع عمومی و سنت مبارزاتی عمل مستقیم کارگری متکی بوده اند.

۴- صورت مسئله تاکتیکی و بلافصل فعالین و رهبران جنبش کارگری و بویژه گرایش رادیکال و سوسیالیست درون طبقه کارگر، مقابله با تعرض معیشتی و سیاسی، تلاش برای بهبود شرایط کار و زندگی و شکستن دیوار اختناق و تغییر تناسب قوای موجود است. دور جدید مبارزه توده ای کارگری هنوز موجب تغییر تناسب قوا و ترک برداشتن دیوار اختناق نشده است و هنوز مانع متشکل شدن و متشکل ماندن کارگر در ایران قدرتمندتر از نیروی اعتراضی کارگران است. تردیدی نیست که تغییر جدی و حتی دوفاکتوی تناسب قوای سیاسی مستلزم تغییراتی در فضای ماکروی سیاست در ایران است. با اینحال، تمام مسئله اینست که در هر تلاقی سیاسی، طبقه کارگر و گرایش رادیکال و کمونیست آن به اندازه کافی استخوانبندی تشکیلاتی و آمادگی عملی برای دخالت بلافصل و موثر برای بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی را داشته باشد. ایجاد این آمادگی در گرو پُر کردن خلأ تشکلهای توده ای و حزبی طبقه کارگر در متن مبارزه جاری و کشمکش سیاسی و طبقاتی برای بهبود و تغییر وضع موجود است.

۵- ایجاد تشکلهای توده ای کارگری، از محلی تا سراسری، امر خود کارگران است. تشکلهای توده ای کارگری اساساً باید در محیط کار و زیست کارگران ایجاد شود. ایجاد تشکل کارگری مستلزم هیچ اجازه دولت و قانون و طبقه سرمایه دار نیست و باید توسط کارگران به حکومت و کارفرمایان تحمیل شود. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از هر تلاش طبقه کارگر که اتحاد طبقاتی کارگران و صف مستقل کارگری را در مقابل جمهوری اسلامی و جریانات و جنبشهای طبقات حاکم و دارا تقویت کند، قاطعانه حمایت میکند و راساً برای این امر میکوشد. در شرایط امروز ایران، راه موثر و مطلوب

و ممکن، اتکا به اراده و نیروی مستقیم و مستمر کارگران در امر خویش یعنی مجمع عمومی و سنت شورائی کارگری است. مجمع عمومی منظم و سازمانیافته شورای دائر است و رکن اساسی شورای کارگری مجمع عمومی کارگران است. یک جنبش مجمع عمومی کارگری قدرتمند در مراکز کار، شرط واقعی و ضروری ایجاد تشکل توده ای منطقه ای و سراسری کارگری است. حزب حکمتیست و کارگران کمونیست و پیشرو برای بمیدان آوردن قدرتمند سنت مجمع عمومی و شورائی و عمل مستقیم کارگری تلاش میکنند.

۶- حزب کمونیستی یک رکن حیاتی تشکل طبقه کارگر و یک شرط اساسی تامین استقلال سیاسی طبقه کارگر در متن کشمکش سیاسی و طبقاتی جاری است. در هر تحول و تلاطم سیاسی سرنوشت ساز، کارگر بدون کمونیسم و کمونیسم بدون کارگر بجائی نمیرسد. سیاستهایی که بعنوان مختلف کارگران را از کمونیسم و حزب کمونیستی دور میکنند، گرایشات راست و ناسیونالیستی و رفرمیستی که کارگران را به حمایت از این یا آن جناح طبقه حاکم فرامیخوانند، در تحلیل نهائی جنبش کارگری را در مقابل احزاب و جنبشهای طبقات دارا خلع سلاح میکنند. کارگران

کمونیست و گرایش رادیکال و سوسیالیست طبقه، ضروری است خلا حضور مستقیم و مستمر افق و سیاست و سازمان کمونیستی را در جدال و کشمکش سیاسی جاری پُر کنند. سلولها و آرایش های حزبی کارگران کمونیست باید در متن شبکه های محافل کارگری و مبارزات جاری کارگران و مردم زحمتکش برای بهبود و تغییر اوضاع موجود شکل بگیرند و فعالیت کنند. حزب کمونیستی کارگری باید در مغز استخوان جامعه و جنبشهای اعتراضی حضور داشته باشد و افق و انتقاد کمونیستی را در فضای سیاسی و عمل اعتراضی تامین کند. حزب کمونیستی نه فقط شرط بمیدان آوردن طبقه کارگر تحت پرچم مستقل و سوسیالیستی خویش بلکه شرط تحکیم و بازتولید سنت مبارزاتی رادیکال و اجتماعی در جنبش آزادیخواهانه کارگری است.

۷- جامعه ایران بعد از توافق هسته ای آستن کشمکشهای سیاسی تُند است و بسرعت افقهای چپ و راست برای تعیین تکلیف با وضع موجود به مرکز سیاست رانده میشود. یک قلمرو تعیین کننده کشمکش سیاسی و طبقاتی در ایران، تقابل کارگران و مردم زحمتکش با فقر و تبعیض و اختناق سیاسی است. شرط پیروزی جنبش طبقه کارگر در

این جدال اینست که اولاً، بطور متشکل، سازمانیافته و هدفمند، بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی و جنبشی برای آزادی جامعه بمیدان بیاید. ثانیاً، بعنوان تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرفه در ایران معرفی و شناخته شود. ثالثاً، سازمانده و رهبر هر پتانسیل اعتراضی پیشرو و ضد تبعیض علیه اختناق و نظم موجود باشد. جنبش کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست در این کشمکش برای سازماندهی طبقه کارگر در تحولات جاری و آتی ایران تلاش میکند و این پتانسیل را دارد که اکثریت مردم را در یک خیزش توده ای برای آزادی و برابری و رفاه رهبری و زمینه‌های انقلاب کارگری در ایران را فراهم کند. کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، طبقه کارگر، جنبش کمونیسم کارگری و کارگران کمونیست و سوسیالیست را به تلاش و متشکل شدن حول این افق و سیاست در تحولات جاری ایران فرامیخواند!

پیشنهاد دهنده: سیاوش دانشور

حمایت کنندگان: رحمان حسین زاده، فاتح شیخ، آذر ماجدی، عبه دارابی، اسماعیل ویسی، پروین کابلی، سعید آرمان، رضا کمانگر، ملکه عزتی، سلام زیجی،

به کنگره هفت حزب حکمتیست قرار پیشنهاد: تغییر نام حزب

بعد از انشعاب از حزب کمونیست کارگری ایران در سال ۲۰۰۴، حکمتیست پسوندی شد برای حزب جدید و خط تمایز با حزب قبلی. تئوری پشت انتخاب حکمتیست بعنوان اسم حزب این بود که، اختلاف ما با رفقای بجا مانده در حزب کمونیست کارگری بر سر حکمتیسم بود و به همین خاطر حکمتیست را بعنوان اسم حزب انتخاب کردیم! بله، بدست اختلاف ما با رفقای بجامانده در حزب قبلی بر سر پراکتیک حکمت بود، از جمله بحث حزب و قدرت سیاسی و حزب جامعه که آنها نمی پذیرفتند و در مقابل آن پرچم شورا را بلند کرده بودند که نه سر داشت و نه ته! اما با تمام اینها، انتخاب حکمتیست بعنوان اسم حزب اشتباه محض بود. کی جریان ما و خود منصور حکمت لنینیسم و "احزاب" لنینیستی را پذیرفته تا ما امروز اسم حکمتیسم و حکمتیست را بر حزب خود بگذاریم؟

حکمتیست اسمی مناسب برای حزب کمونیستی جدی و دخالتگر اجتماعی نیست. حکمتیست تصویر یک فرقه، فردپرست، سکتاریست، کانون هواداران حکمت و غیره از حزب ما می دهد. یک حزب سیاسی قطعاً نمی تواند اسم یک شخص بر خود داشته باشد، مستقل از جایگاه و موقعیت آن شخص، آنهم یک حزب کمونیستی مدعی انقلاب سوسیالیستی. حزب کمونیستی ما می خواهد و باید به حزب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب تبدیل شود، و این امر مستلزم انتخاب یک اسم اجتماعی برای حزب می باشد. حکمتیست سد راه پیشرفت و توده ای شدن حزب ماست (نه به این معنا که گویا آرمان و پراکتیک حکمت سد راه پیشرفت ماست، برعکس، حکمت قطبنمای کمونیسم ماست).

لذا، ما پیشنهاد تغییر نام حزب حکمتیست را تقدیم میکنیم.

اسامی آلترناتیو: الف- حزب جنبش کمونیستی ایران

ب- حزب کمونیست پرولتری ایران

پ- حزب کمونیسم کارگری ایران

ت- حزب یک دنیای بهتر ایران

پیشنهاد دهندگان: جلیل رضایی و فواد آقابگزاده

حمایت کنندگان:

21,9,2015

جنبش آزادی زن در ایران، دورنمای پیروزی! (سند پیشنهادی به کنگره هفتم حزب حکمتیست)

جنبش آزادی زن یک جنبش قائم بذات و تعیین کننده در تحولات اجتماعی - سیاسی بوده است. در قرن بیست، دو جنبش وسیع آزادی زن در روسیه همراه با انقلاب اکتبر و در اروپا و آمریکا در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، نه تنها موقعیت زنان را متحول کرد و بر نقش و جایگاه جنبش آزادی زن تأکید و تأیید گذاشت، بلکه در تحولات عمومی تر اجتماعی و فرهنگی در جامعه نقش بسزایی ایفاء نمود. جنبش آزادی زن پس از عروج سرمایه داری یکی از ارکان مهم تحولات ترقی خواهانه در جامعه و از زمره جنبش های اصلی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تاریخ بشری محسوب می شود.

رویدادها و تحولات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا یکبار دیگر جنبش آزادی زن را بعنوان یک ستون مهم و حیاتی مبارزه برای یک دنیای آزاد، برابر و عادلانه در منطقه بجلوی صحنه آورد. عروج داعش، به یمن دخالتها و حمایت های دولتهای غربی و موثلفین آنها ترکیه، عربستان سعودی و قطر، هیولای سیاه جنبش اسلامی و ظرفیت بیکران آن در کشتار و عقب کشاندن جامعه، بویژه در برخورد برده دارانه به زنان را به دنیا یادآوری کرد. حمله داعش به عراق یک فصل سیاه در تاریخ جامعه عراق و منطقه بود. اما جنبش مقاومت مسلحانه توده ای مردم کوبانی با دخالت وسیع و بی سابقه زنان در آن و سپس صدور بیانیه حقوق زن در کانتون جزیره، نقطه عطفی مهم در تحولات خاورمیانه و جایگاه جنبش آزادی زن در تقابل و ستیز با جنبش اسلامی بود.

عروج جنبش اسلامی معاصر در خاورمیانه در دهه ۷۰ میلادی دوره جدیدی را برای جنبش آزادی زن آغاز نمود. ابتدا شکل گیری جریان مجاهدین در افغانستان در دوره جنگ سرد توسط آمریکا و سپس قدرت گیری جنبش اسلامی در ایران در نتیجه دخالت های غرب در انقلاب ۱۳۵۷ نقشه سیاسی خاورمیانه را عمیقاً متحول کرد. قدرت گیری رژیم اسلامی در ایران مهمترین نقطه عطف در حیات جنبش

اسلامی است. اما همزمان با عروج رژیم اسلامی جنبش آزادی زن نیز در تقابل با رژیم اسلامی تولد یافت. اولین اعتراض توده ای علیه این رژیم توسط زنان شکل گرفت و رژیم را برای مدتی عقب نشاناند. جنبش آزادی زن پس از دوره ای زیر زمینی شدن اکنون نزدیک به دو دهه است که در ابعاد اجتماعی عرض اندام کرده است. مقاومت زنان عمدتاً در اشکال فردی در سیاه ترین و خونین ترین دوره حیات رژیم اسلامی، دهه ۶۰ شمسی نیز در جریان بود. زنان بسیاری برای خواستهای پایه ای خویش و بخاطر سرپیچی از دستورات رژیم اسلامی زندانی، شکنجه و کشته شده اند. علیرغم سرکوب خشن و تحمیل رسمی بی حقوقی بر زنان و قوانین زن ستیز اسلامی بر جامعه، رژیم اسلامی موفق نشده است جنبش آزادی زن را خاموش و سرکوب کند. این جنبش هر روز قدرت و وسعت بیشتری می گیرد. جنبش آزادی زن یک رکن مهم و اصلی جنبش سرنگونی رژیم و در ماهیت امر آنتی تز این رژیم و کلیت جنبش اسلامی است. جنبش آزادی زن در ایران در سطح بین المللی و منطقه شناخته شده و معتبر است.

تحولات منطقه از سال ۲۰۱۱ بدنبال خیزش های انقلابی بار دیگر تقابل آشتی ناپذیر جنبش آزادی زن و جنبش اسلامی را بجلوی صحنه راند. جنبش آزادی زن نقش مهمی در عقب راندن جنبش اسلامی و النهضت حزب و سخنگوی این جریان در کشور تونس داشت. جنبش آزادی زن نقش برجسته ای در اعتراضات وسیع توده ای دو سال پیش علیه دولت اسلامی در ترکیه و اکنون در اعتراضات توده ای در عراق ایفاء می کند.

تمام این شواهد بیانگر وجود یک جنبش عظیم اجتماعی آزادی زن در ایران و کل منطقه اسلام زده است. بعلاوه، تأکید و تأیید مجدد بر اهمیت تعیین کننده این جنبش در تحولات مهم در این جوامع برای ساختن یک دنیای بهتر است. کمونیسم کارگری

همواره بر نقش تعیین کننده جنبش آزادی زن در جنبش سرنگونی رژیم اسلامی تأکید کرده است و جایگاه این جنبش را تبیین نموده است.

کمونیسم کارگری در سطح پراتیک و مبارزه روزمره علیه رژیم اسلامی و جنبش اسلامبستی و برای دستیابی به خواستهای زنان نقشی فعال و تعیین کننده دارد. افشای جنبش ملی - اسلامی و فعالین عرصه زنان این جنبش که دائماً در تلاشند تا جنبش آزادی زن را به عقب بکشند و افق اسلامی را بر آن تحمیل کنند، یک وجه مهم فعالیت ما را تشکیل داده است. کمونیسم کارگری نقشی مهم در ممانعت از رکود و سکون جنبش آزادی زن و تحدید افق سیاسی آن داشته است. کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر گسترش این وجه مهم فعالیت تاریخی حزب و تمرکز در این قلمرو اجتماعی تأکید میکند. پیروزی افق کمونیستی و آزادی و برابری زن چنین تلاشی را ضروری و اجتناب ناپذیر می سازد. کمونیسم کارگری باید بتواند افق سازش ناپذیر، انقلابی و رادیکال خود را بر بخش قابل توجهی از جنبش آزادی زن حاکم کند و بکوشد فعالین رادیکال این جنبش را به صفوف خود جلب کند. کنگره هفتم حزب بر این نکات تأکید می کند و از رهبری منتخب کنگره انتظار دارد که برای دستیابی به این اهداف نقشه عمل مناسب را تدوین و نیروی لازم را به آن اختصاص دهد.

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر سازماندهی و رهبری جنبش آزادی زن در ایران برای یک رهائی واقعی تأکید میکند. برنامه حزب، یک دنیای بهتر، بروشنی تصریح میکند؛

"تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد. نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل

کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدر میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن

برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند".

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند و زنان و مردان آزادیخواه را به متشکل شدن حول این پرچم فرامیخواند!

پیشنهاد دهنده: آذر ماجدی

حمایت کنندگان: فاتح شیخ، سیاوش دانشور، ملکه عزتی، رحمان حسین زاده، پروین کابلی، محمود رهبری، اسماعیل ویسی

به نمایندگان کنگره هفت حزب کمونیست کارگری - حکمتیست!

محسن حسینی

بحران سرمایه داری در دنیا پیش از هر زمان دیگری عمق ضد انسانی بودن، محرکه تولید سرمایه داری را در مقابل جامعه و بویژه در مقابل طبقه کارگر قرار داده است. بحران سرمایه داری بیش از هر زمانی کل بورژوازی از بورژوازی بزرگ تا خرده بورژوا را در پی سود آور کردن مجدد سرمایه در یک سنگر، در مقابل طبقه کارگر قرار داده است. و بر همین واقعیت راه دیگر پیروز شدن بر این بحران یعنی برچیدن کل نظام سرمای داری را قابل درک تر و ممکن تر کرده است. کل مفسرین سرمایه داری در این بحران به حرکت در آمده اند تا مانع از ممکن تر شدن ایده سرنگونی سرمایه داری، توسط طبقه کارگر شوند.

دنیا در چنین بحران هائی در مقابل یک سوال اساسی و پایه ای قرار میگیرد. جواب، در چارچوب تصحیح عملکرد سرمایه و جواب در چارچوب برچیدن سرمایه داری. و این موقعیت برای کمونیست هائی که این جواب پرولتری را دارند فرصتی است که بتوانند کل طبقه را حول جنبش خود منسجم و متحد کنند و یا حداقل آنچنان آگاهی طبقاتی را در جامعه به وجود بیاورند که هر تحول سیاسی آینده ایران شدیداً نفوذ و آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر را منعکس کند و دیده شود.

بر این اساس فکر میکنم که حزب ما حزب کمونیست هائی است که در یکی از مقاطع تاریخ که هر یک کمونیست میتواند آرزویش داشته باشد قرار گرفته است. ما اگر تنها حزب ضد رژیم بودیم امروز روحیه امان را باخته بودیم، یا اگر حزب ناسیونالیست کرد یا سلطنت باشیم امروز چیزی برای شادی و خوش بینی نداشتیم، اما وقتی که در یک حزب کمونیست طبقه کارگر فعال هستیم نمیتوانید این موقعیتها و شرایط را تشخیص ندهید، از آن به هیجان نیائید و سئوالات مربوط به این دوره را به سوالات اساسی حزب تان تبدیل نکنید.

ما کمونیست های کارگری و بالاخص حزب حکمتیست هم حزب خاصی است. ما حزبی هستیم که از دوره گذشته سربلند و با نفوذ بیشتر خارج شدیم. صرفاً حزب ضد رژیم و حزب منقد احزاب نبودیم. حزب برجسته کردن منفعت پرولتاریا، حزب سازمان دادن انقلاب سوسیالیستی، حزب نشان دادن راه سرنگون کردن جمهوری اسلامی، بوده ایم. حزبی هستیم که با یک متد سیاسی کمونیستی و یک توانائی کادری متمایز در جامعه حضور یافتیم و شناخته شده ایم.

من فکر می کنم این موقعیتی است که ما در آن قرار گرفته ایم. و در این موقعیت سئوالات زیادی در مقابل ما و در مقابل این کنگره قرار داده است. سئوالاتی که با شعار و یا با حرف های حکیمانه نمیتوانید خود را از آنها رها کرد. این حزب باید نشان بدهد که قدم به قدم چگونه میتوان جنبشی را ساخت، حزبی را بوجود آورد که از پس دادن پاسخ عملی به موقعیت امروز بر آید. حزبی باشیم که اگر در انتهای این بحران نتوانستیم انقلاب سوسیالیستی را سازمان دهیم آنچنان آگاهی و تشکل سوسیالیستی را در طبقه کارگر به جود آورده باشیم که هر بحران انقلابی در آینده ایران یک رنگ قوی سوسیالیستی داشته باشد.

این کنگره باید به این سوالات معطوف باشد که ما چگونه میتوانیم جنبش مان با این درجه موجود از اتحاد و پراکندگی در صفوف طبقه، با این حزب معین با توانائی ها و ناتوانی ها و این تعداد کادر کل جامعه را از موقعیت کنونی به جایی که باید برود برساند. پاسخ به این سئوالات حرف، شعار و نصیحت برنمیدارد.

اطلاعیه حزب حکمتیست: کنگره هفتم حزب حکمتیست در ماه اکتبر ۲۰۱۵ برگزار می گردد!

به اطلاع میرسانیم کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در تاریخ ۱۷ و ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ برابر با ۲۵ و ۲۶ مهر ماه ۱۳۹۴ به طور علنی در اسکاندیناوی برگزار میشود.

دفتر سیاسی حزب حکمتیست همه احزاب، تشکلهای، جریانها، نهادهای سیاسی و اجتماعی و شخصیتهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را، رسماً و کتبا به کنگره دعوت میکند. ما از همه مبارزین سیاسی و علاقمندان به سرنوشت و حیات سیاسی حزب حکمتیست و از همه دوستان حزب دعوت میکنیم که در کنگره هفتم حزب فعالانه شرکت کنند. هیئت برگزار کننده کنگره مهمانان و شرکت کنندگان را از فرودگاهها و ایستگاههای مرکزی قطار شهرهای استکهلم و گوتنبرگ در سوئد و اسلو در نروژ به محل کنگره انتقال میدهد.

در اطلاعیه های بعدی اطلاعات بیشتر در مورد نحوه ثبت نام برای شرکت در کنگره، هزینه آن و جنبه های فنی و عملی ضروری در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. برای کسب اطلاعات بیشتر میتوانید با آدرس ای میل و شماره تلفن دفتر مرکزی حزب تماس بگیرید.

daftaremarkzy@gmail.com

0046762349683

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ژوئن ۲۰۱۵



به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX Bank: DNB

دستیار سردبیر: پدram نواندیش

سردبیر نشریه کنگره دوره هفتم: جمال کمانگر

Pedram_nowandish@yahoo.com

Jamalkamangar@yahoo.com

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

پیش نویس آئین نامه کنگره هفتم حزب حکمتیست!

۲- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آراء نمایندگان تصویب میشود.
 ۳- رای گیری در کنگره، بجز در انتخابات کمیته مرکزی، علنی است. شمارش دقیق آراء در رای گیری های علنی در مواقعی که تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های مخالف و موافق، به تصمیم رئیس و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء شمرده میشود.
 ۴- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهاد، موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند. ارائه دهندگان هر قطعنامه مرکب (مبحث اصلی) یک نوبت در پایان بحث برای جمع بندی مبحث خواهند داشت. ارائه دهندگان قطعنامه های ساده و قرارها نوبت جمع بندی نخواهند داشت.
 ۵- در مباحث اصلی دو ارائه دهنده و دو مخالف از قبل از کنگره تعیین شده اند. مابقی

سخنرانان در سالن نوبت میگیرند.
 ۶- از میان کسانی که نوبت گرفته اند، در صورتی که به هرکس کمتر از ۵ دقیقه وقت برسد، سخنرانان به تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.
 ۷- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یا دو نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.
 ۸- کنگره تنها به مباحث و پیشنهادهای میپردازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشند و کنگره ورود آنها را به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود. (تصویب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان کنگره مجاز است)
 ۹- ترتیب جلسات
 الف: شروع و اعلام رسمیت کنگره :
 مارش انترناسیونال اسکوت به احترام

جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم
 سخنرانی افتتاحیه
 تصویب اعتبار نامه نمایندگان
 تصویب آئین نامه کنگره
 پیامهای رسیده
 ب- تصویب دستورهای کنگره
 ۱۰ - انتخابات کمیته مرکزی
 ۱۱ - اختتامیه
 ۱۲ - گزارشات به رای گذاشته نمیشود. وقت موجود میان سخنرانان تقسیم میشود. پس از اظهار نظر سخنرانان مختلف، یک نوبت کوتاه نهایی برای توضیح بیشتر در مورد جوانب مورد بحث گزارشات به ارائه کنندگان آنها داده میشود.
 ۱۳ - در پایان هر اجلاس (صبح یا عصر) نیم ساعت برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین وقت داده میشود.

ادامه مطلب محسن حسینی : به نمایندگان کنگره هفتم...

پس در این کنگره شرکت میکنم چون این سئوالات را داریم و میخواهم کنگره کمک کند که لااقل سرنخ قرقره پاسخ به این سئوالات را باز کنیم. این کنگره به نظر من باید کنگره طرح سئوالات درست و تلاش برای پاسخ دادن به آنها باشد. این کنگره میتواند در مقابل این سئوالات زانو بزند. و

جای پاسخ دادن به آنها مانند احزاب دیگر مناسکی در مدح خود را اجرا کنیم و با نشئه همه شاد و خندان به خانه برگردیم. و یا باید حزبی باشیم که مثل همیشه چشم در چشم مشکلات بدوزیم و برای آنها پاسخ پیدا کنیم.
 و براین اساس من فکر میکنم این کنگره در تمایز از کنگره قبل در مقابل سئوالات جدیدتری قرار گرفته است. کنگره قبل ما در مقابل سئوالات نسبتاً محدود تر در مورد تحولات سیاسی ایران قرار داشتیم. در این کنگره زمین بازی و منظره کاملاً متفاوتی چه در ایران و چه در منطقه را در مقابل ما قرار داده است که ما را نیازمند میکند پاسخ به سئوالات را در چارچوب مسأل عمومی تری میکند.
 رفقا، نمایندگان عزیز، به این واقعیت هم باور دارم که اگر جایی در این دنیا هست که میشود این سئوالات را طرح کرد و امید داشت که جوابی برای آنها میشود گرفت این حزب و این کنگره است. در نتیجه چشم همه ما به این کنگره هفت است. اگر این کنگره به این سئوالات و جواب های روشن آنها معطوف بشود اطمینان می دهم که سال آیند با یک طبقه متشکل تر و آگاه تر و با یک حزب قدرتمند تر در کنگره حاضر خواهیم شد.

راديو پرتو
 radio PARTOW
 حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

راديو پرتو صدای کمونیسم، صدای برابری طلبی و آزادی خواهی، صدای کارگر و بشریت متضاد، صدای حزب حکمتیست است که ۵ روز هفته از شنبه تا جمعه در ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق سایت راديو پرتو پخش می شود.

برنامه سازان: پدram نواندیش، هه ساره ابراهیمی، هیمن خاکی، لیلیا ارغوانی و شیدا ارغوانی

مسئول سایت راديو پرتو: پدram نواندیش

کارگران در اعتراضات خود به
 مجمع عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی را
 گسترش دهید!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست www.hekmatist.org

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!